خاورمیانه

دانا استرول

معاون سابق دستیار وزیر دفاع آمریکا

چرا کارزار نظامی آمریکا نمی‌تواند نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود کند؟

اشتباه ترامپ در شطرنج خاورمیانه

عکس: Reuters

پیش از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ چندوجهی متعاقب اسرائیل علیه منافع ایران، سرمایه‌گذاری‌های ایران در زرادخانه موشکی، برنامه هسته‌ای و شبکه‌ای از متحدان منطقه‌ای، بشدت استراتژی ایالات متحده در قبال خاورمیانه را محدود کرده بود. تحلیلگران سیاست ایران در واشنگتن درباره اینکه چه ترکیبی از ابزارها می‌توانند به‌طور مؤثر ایران را کنترل کند، اختلاف نظر داشتند، اما عموماً توافق داشتند که اگر تهران تحت فشار بیش از حد قرار گیرد، فهرستی از گزینه‌های تلافی‌جویانه در اختیار دارد که می‌تواند به جنگی تمام‌عیار منجر شود. چهار رئیس‌جمهوری پیاپی آمریکا—جورج دبلیو بوش، باراک اوباما، دونالد ترامپ در دوره اول، و جو بایدن—همگی به استفاده از دیپلماسی و تحریم برای بازدارندگی بسنده کردند و هرگز حمله نظامی در داخل خاک ایران را مجاز ندانستند. فضای منطقه برای ایجاد چهارچوب سیاسی جدیدی فراهم است که بتواند بوروکراسی‌هایی را که ایران از آنها تغذیه می‌کرد اصلاح و تقویت کند و رهبران آسیب‌پذیر در برابر نفوذ ایران را با افراد جدیدی جایگزین کند. جلوگیری از بازسازی قدرت ایران در خاورمیانه نمی‌تواند تنها بر دوش اسرائیل باشد که فاقد منابع، ساختار ائتلافی و دهه‌ها تجربه در دوران پساجنگ است تا نظم منطقه‌ای جدید و صلح‌آمیزی را تضمین کند. نیروی نظامی به‌تنهایی نیز نمی‌تواند مانع بازگشت ایران شود. تنها یک فرآیند سیاسی می‌تواند این هدف را محقق کند.

اما اقداماتی که ترامپ در ماه‌های اول دوره دوم ریاست جمهوری‌اش انجام داده، تنها کار را برای واشنگتن دشوارتر کرده است. ترامپ ممکن است باور داشته باشد که با تضعیف دستگاه دیپلماسی وزارت خارجه، اجتناب از تعامل با دولت جدید سوریه، اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران و افزایش حملات نظامی در یمن، استراتژی آمریکا را متمرکز کرده و بازگشتی به کمپین «فشار حداکثری» دوره اولش داشته است. اما رویکردی که فقط بر یک ابزار سیاست خارجی-اقدام نظامی-تکیه دارد، به آمریکا اجازه نخواهد داد از موقعیت کنونی بهره‌برداری کند.

در عوض، ترامپ باید اقدامات سختگیرانه را با دیپلماسی خلاقانه‌ای همراه کند که فراتر از تماس با سران کشورها و پیگیری توافقات پررنگ رسانه‌ای باشد. واشنگتن باید همه طرف‌های منطقه‌ای را گرد هم آورد تا نقشه‌ای واقع‌گرایانه برای حاکمیت، امنیت و بازسازی غزه تدوین کنند. همچنین باید به‌روشنی اعلام کند که چه سرمایه‌گذاری‌های بلندمدتی در امنیت خاورمیانه خواهد داشت و به‌جای توقف کمک‌ها، باید راهبردی مشخص برای تثبیت منطقه و پاسخ به نیازهای مردم آن ارائه دهد.

بدون چنین راهبردی، ایران به نفوذ خود ادامه خواهد داد. اکنون فرصتی واقعی برای تغییر مسیر خاورمیانه ایجاد شده است. اما اگر ایالات متحده فرصت را از دست بدهد، شاید این فرصت تا نسل‌ها دیگر تکرار نشود.

آمادگی برای ثبات

مرحله‌ای از جنگ که پس از عملیات‌های رزمی می‌آید-که دکترین نظامی آمریکا آن را «تثبیت» می‌نامد-مهم است. مرحله تثبیت شامل بازگرداندن «امنیت پایه» است که افراد به آن اعتماد داشته باشند، ارائه خدمات حیاتی مانند برق و بهداشت، مهار زوال اقتصادی پس از جنگ و کمک به دولت‌های جدید برای بازسازی جامعه است. این مرحله-که ذاتاً سیاسی است-تنها با نیروهای نظامی پیش نمی‌رود: باید با دیپلمات‌ها، کارشناسان فنی پساجنگ، رهبران محلی و فعالان جامعه مدنی همراه شود، حتی اگر برخی درگیری‌های نظامی همچنان ادامه یابد. خاورمیانه آماده تثبیت راهبردی است اما بدون کمک و مشارکت خارجی-و در غیاب چشم‌اندازی برای تثبیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراگیر- جوامع در خاورمیانه ناچارند برای بقا به شبکه‌هایی خارج از ساختار دولت تکیه کنند. این وابستگی به نوبه خود دولت‌ها را تضعیف خواهد کرد. در چنین صحنه‌ای ایران کاملاً مصمم است تا نفوذ منطقه‌ای خود را بازگرداند. هرچقدر هم که احمد الشرع بخواهد یک دهه نفوذ ایران را از میان بردارد، تا زمانی که تحریم‌های آمریکا علیه سوریه لغو نشوند، نمی‌تواند به این هدف برسد و بدون حمایت گسترده خارجی که به معیارهای حکمرانی واقع‌گرایانه مشروط شده باشد، او قادر نخواهد بود بحران انسانی و اقتصادی سوریه را مهار کند.

ایران هنوز در جاهای دیگر نیز پایگاه‌هایی قابل‌توجه دارد. حماس هیچ نشانه‌ای از پذیرش شکست بروز نداده و رهبرانش مذاکره‌ای درباره آینده‌ای که در آن از حاکمیت غزه کنار بروند، انجام نمی‌دهند. حماس مراسم پرزرق و برقی برای آزادی اسرای اسرائیلی ترتیب می‌دهد تا قدرت باقی‌مانده خود را به رخ بکشد. از ۷ اکتبر تاکنون، برآورد می‌شود این گروه بیش از ۱۰ هزار عضو جدید جذب کرده و منابع مالی آن به‌خوبی راه‌های دور زدن تحریم‌های آمریکا را می‌شناسند و یک سبد سرمایه‌گذاری جهانی به ارزش صدها میلیون دلار را اداره می‌کنند. رهبران اسرائیل همچنان از ارائه چشم‌اندازی برای حکمرانی فلسطینی غیر وابسته به حماس در غزه خودداری کرده‌اند و طرحی که کشورهای عربی در اجلاس مارس در قاهره ارائه دادند نیز خواستار انحلال حماس نبود.

حملات اسرائیل به حزب‌الله اگرچه این گروه را تضعیف کرده است، اما رهبران جدید لبنان کشوری را به ارث برده‌اند که ساختار حکمرانی آن تضعیف و توخالی شده است. با این حال، اندکی پس از آغاز به کار ژوزف عون رئیس‌جمهوری جدید در ژانویه، دولت ترامپ ده‌ها میلیون دلار کمک امنیتی به ارتش لبنان را مسدود کرد. با وجود تغییرات گسترده‌ای که در بیروت روی داده، واشنگتن هنوز رویکردش به کمک‌رسانی را اصلاح نکرده است. اگر دولت لبنان نتواند به‌سرعت کمک‌های اقتصادی و بازسازی فراهم کند، حزب‌الله ممکن است بار دیگر با پیروزی در انتخابات پارلمانی سال آینده، کنترل دولت را در دست گیرد. این گروه هم‌اکنون در حال تجدید تسلیحات، تأمین مالی و جذب حمایت مردمی است و هزاران دلار به لبنانی‌هایی که خانه‌شان در جریان عملیات‌های اسرائیل ویران شده، پرداخت می‌کند.

ایران چطور باز می‌گردد؟

ایران برای بازیابی قدرت خود همچنان تلاش خواهد کرد نفوذ خود را در عراق و یمن بیشتر نهادینه کند. سیاست در بغداد و صنعا همچنان به شدت تحت تأثیر تهران است. از ۷ اکتبر، یمنی‌ها تاکتیک‌ها و توان موشکی خود را ارتقا داده‌اند و در حوزه روابط عمومی نیز حضور حرفه‌ای‌تری پیدا کرده‌اند. انصارالله همچنان بر صنعا حکومت می‌کند، پول چاپ می‌کند، مالیات جمع‌آوری می‌کند و حتی در دسامبر از عربستان سعودی ۵۰۰ میلیون دلار کمک دریافت کرد. نه حملات چندجانبه تحت رهبری آمریکا به اهداف نظامی یمن و نه حملات اسرائیل به زیرساخت‌های بندری و انرژی، موفق به متوقف ساختن حملات آنها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ نشدند تا زمانی که آتش‌بس ژانویه در غزه اجرایی شد. این حملات نتوانستند راهی برای ایجاد رهبری جدید در یمن باز کنند یا جریان ارسال تسلیحات، آموزش و حمایت فنی را قطع کنند.

ترامپ، انصارالله را دوباره به فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی بازگرداند، وضعیتی که دولت پیشین او در سال ۲۰۲۱ لغو کرده بود. این اقدام به رهبران این گروه آسیب نمی‌زند، چراکه آنها نه به خارج سفر می‌کنند و نه حساب بانکی بین‌المللی دارند. اما اقتصاد ویران‌شده یمن را بیشتر تضعیف کرده و به مردم غیرنظامی که از بیش از یک دهه جنگ داخلی رنج می‌برند، آسیب می‌زند. در عراق، تلاش‌های آمریکا و اسرائیل برای مهار نفوذ ایران با محدودیت‌هایی مواجه شده است، زیرا عراق میزبان نیروهای آمریکایی برای مقابله با داعش است. در پیش‌بینی فشار آمریکا و اسرائیل، شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در حال نهادینه‌کردن منافع خود در بغداد هستند، خود را در نظام سیاسی عراق جای داده‌اند و نهادهای دولتی را به خدمت گرفته‌اند. در مارس، دولت ترامپ معافیت تحریمی برای خرید برق از ایران را لغو کرد؛ تصمیمی که شبکه برق ناپایدار عراق را پیش از ماه‌های گرم تابستان تحت فشار قرار خواهد داد و موقعیت السودانی را شکننده‌تر می‌کند.

اکثر مقام‌های آمریکایی اکنون معتقدند وقت آن رسیده که سیاست سخت‌گیرانه‌تری در قبال تهران در پیش گرفته شود. اندکی پس از آغاز به کار ترامپ در ژانویه، او فرمان اجرایی صادر کرد که کارزار «فشار حداکثری» خود را برای پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران، محدود کردن برنامه موشک‌های بالستیک و متوقف ساختن حمایت از متحدان منطقه‌ای آن از سر گرفت. او چندین دور تحریم جدید علیه تهران وضع کرد، از جمله تحریم‌هایی که برنامه پهپادی، صادرات نفت و شبکه‌های فراملی وابسته به ایران را هدف گرفت. دولت او همچنین با الگوبرداری از رویکرد اسرائیل، کارزار نظامی علیه یمن را آغاز کرد و دامنه حملات آمریکا را به اهدافی همچون پرسنل، زیرساخت‌های نظامی و ساختمان‌های دولتی گسترش داد. تحریم‌ها و اقدامات سخت می‌توانند بخشی از یک راهبرد موفق باشند، اما در این لحظه کافی نیستند. ایالات متحده به سیاستی برای مشارکت چندجانبه نیاز دارد تا چشم‌اندازی مثبت برای خاورمیانه ارائه دهد.

> ایران هنوز در منطقه پایگاه‌هایی قابل‌توجه دارد. حماس هیچ نشانه‌ای از پذیرش شکست نشان نداده و بیش از ۱۰ هزار عضو جدید جذب کرده، حزب الله در حال تجدید تسلیحات و تأمین مالی است و در بغداد و صنعا سیاست همچنان به شدت تحت تأثیر تهران است

رویکرد یک‌جانبه و واکنشی ترامپ ممکن است نتایج پایدار را تضعیف کند. بداهه‌پردازی آشفته او در موضوع غزه- از پیشنهاد مالکیت بر این سرزمین و جابه‌جایی میلیون‌ها غیرنظامی تا مذاکره مستقیم با حماس-شکاف بزرگی با دیپلماسی یک‌سال و نیم گذشته آمریکا دارد. رویکرد کنونی احتمالاً به فلج سیاستی منجر خواهد شد، آن هم در میانه انبوهی از پیشنهادهای ناسازگار و غیرواقع‌گرایانه که زمینه را برای بازسازماندهی حماس و بازیابی قدرت ایران فراهم می‌کند.

گل به خودی ترامپ

راهبرد فعلی آمریکا درباره ایران، ظاهراً بر این باور استوار است که کارزاری صرفاً هماهنگ با اسرائیل می‌تواند تهران را مجبور به توقف فعالیت‌هایی کند که آنها را برای بقای خود حیاتی می‌داند. اما ایالات متحده نمی‌تواند اقتصاد ایران را فرو بپاشد یا حتی حملات نظامی مؤثری انجام دهد مگر با حمایت گسترده‌تر. برای این کار، به همکاری چین-بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران- و کشورهای میزبان پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی در خاورمیانه نیاز دارد. همچنین باید از پایتخت‌های اروپایی در شورای امنیت سازمان ملل پشتیبانی بگیرد. بدون همسویی بین‌المللی گسترده، ایران از روابطش با پکن و مسکو برای مقابله با فشار آمریکا استفاده خواهد کرد. دولت ترامپ برنامه کاهش چشمگیر بدنه دیپلماتیک وزارت خارجه را در دست دارد، آن‌هم دقیقاً زمانی که دیپلمات‌ها باید نقش پررنگ‌تری در پی تحولات بزرگ نظامی سال ۲۰۲۴ ایفا کنند. او کمک‌های تثبیتی به عراق، سوریه و یمن را در زمانی متوقف کرده که این کمک‌ها بیشترین اثر را می‌توانند داشته باشند. آمریکا کمک‌های نظامی به ارتش لبنان را درست زمانی متوقف کرد که دولت بیروت خلع سلاح حزب‌الله را پذیرفت. اگر ایالات متحده می‌خواهد شبکه نفوذ منطقه‌ای ایران را به‌طور کامل مختل کند، باید در کنار فشارهای نظامی، کمک‌های غیرنظامی نیز ارائه دهد و دیگران را نیز به مشارکت فراخواند. در نهایت، ایالات متحده باید تضمین‌های روشنی به شرکای منطقه‌ای درباره تعهدات امنیتی خود ارائه دهد، حتی در حالی که از آنها می‌خواهد همکاری امنیتی چندجانبه مشابه آنچه در مقابله با حملات موشکی ایران اتفاق افتاد (اشاره به عملیات وعده صادق ۱ در فروردین ۱۴۰۳) ادامه یابد. پس از ۷ اکتبر، ایالات متحده حضور نظامی خود در منطقه را به‌طور چشم‌گیری افزایش داد. این ستون فقرات پشتیبانی اطلاعاتی، تسلیحاتی و مشارکت مستقیم در دفاع از اسرائیل، به تل‌آویو کمک کرد تا بر هدف قرار دادن شبکه تهدیدات وابسته به ایران متمرکز شود و چشم‌انداز راهبردی منطقه را تغییر دهد. این حمایت باید حفظ شود، چرا که منطقه اکنون تمرکز خود را بر تثبیت معطوف کرده است. برای بیشینه‌سازی فشار بر ارتش یمن، آمریکا باید یک بسته کمک ملموس برای مردم یمن طراحی کند که در صورت عقب‌نشینی ارتش و انصارالله از قدرت، قابل ارائه باشد. باید شرکا را در کارزار نظامی برای بازیابی آزادی کشتیرانی در دریای سرخ مشارکت دهد و نشان دهد که آماده حمایت از کشورهایی چون عربستان و امارات است که تحت تهدید یمن قرار دارند. تعهد به حفظ حضور نظامی در میان‌مدت، نشانه‌ای از اراده آمریکا خواهد بود و رهبران خط مقدم منطقه را نیز مطمئن خواهد کرد. در عراق و سوریه، واشنگتن فعلاً باید نیروهای خود را حفظ کرده و حمایت خود از شهروندان این کشورها را نشان دهد. در لبنان، باید نقش نظارتی فعال نظامی آمریکا بر روند خلع سلاح حزب‌الله ادامه یابد و اگر رهبران جدید بیروت گام‌های بیشتری در مسیر اصلاح بردارند، حمایت مستقیم دریافت کنند. اکنون نوبت ایالات متحده است که رهبری تلاشی غیرنظامی و به‌همان اندازه استثنایی را برای دائمی‌ساختن این تغییر برعهده گیرد.

منبع: Foreign Affairs

*** این مقاله بیان کننده دیدگاه‌های روزنامه ایران نیست و صرفاً برای آشنایی خوانندگان با دیدگاه‌های موافق و مخالف اندیشکده‌های آمریکایی با سیاست خارجی ترامپ منتشر می‌شود.**

بدون روتوش

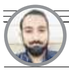

محمدمحسن فایضی

کارشناس مسائل فلسطین

فروپاشی اجتماعی در غزه هدف ترامپ و بی بی

در روزهای اخیر دوباره وضعیت انسانی نوارغزه و جنگ در این باریکه به صدر رسانه‌ها و توجهات شبکه‌های اجتماعی برگشته است.

حجم بالای کشتار درکنار تشدید محاصره موجب شده است علی‌رغم آنکه دو ماه بواسطه آتش‌بس ۴۲ روزه و طولانی شدن جنگ، موضوع غزه از صدر توجهات رسانه‌ای و سیاسی کنار گذاشته شده بود، اما دوباره به مرکز توجهات برگردد.

مصداق و فکت بازگشت توجهات را می‌توان برگزاری تظاهرات‌های پرتعداد در شهرهای مختلف جهان از کانادا، آمریکا، نروژ، سوئد، ژاپن، کره جنوبی، مراکش، ترکیه، سوریه و... دانست که نمونه آن را تنها در فروردین سال گذشته که همزمان بود با تحولات حمله اسرائیل به رفح به یاد آورد.

اما این حجم عجیب بمباران‌ها و کشته شدن ۱۴۰۰ نفر در سه هفته اخیر زیرسایه انعکاس رسانه‌ای آیا برای تل آویو آورده‌ای دارد؟ این اقدام که حداقل پیامد آن بازگشت توجهات به غزه است، برای تل آویو منطقی است؟

باید پاسخ داد که هدف از این حملات صرفاً مجبور کردن حماس به پذیرش طرح آتش‌بس پیشنهادی ویتکاف برای آزادی ۱۱ اسیر در مقابل طرح حماس که آزادی ۵ اسیر می‌باشد، نیست. آنچه در غزه می‌گذرد امتحان میدانی طرح تخلیه انسانی نوارغزه است. تخلیه‌ای که با پیوست‌های دقیق میدانی، رسانه‌ای و اجتماعی همراه است. رژیم صهیونیستی با استفاده از اهرم زمان و طولانی شدن بیش از توقع و انتظار جامعه فلسطینی فشاری واقعی بر اجتماع را دنبال می‌کند. در این پروژه چند محور دنبال شده است:

- **ترورهای مدنی به جای نظامی:** پس از بازگشت به جنگ و توقف آتش بس، ترورهای هدفمند رژیم صهیونیستی از سطح نظامی به سطح سیاسی و مدنی تغییر کرد. ترور شخصیت‌هایی از حماس که کارکرد اداری و توانایی مدیریتی اقتصادی و اجتماعی- مدنی در نوارغزه داشتند مصداق این محور است. ترور صلاح البردویل و اسماعیل برهوم از رهبران مدیریتی حماس در کنار عبداللطیف قانوع سخنگوی حماس را می‌توان مهم‌ترین ترورهای مدنی یک ماه اخیر دانست. جالب است که هر سه شخصیت در ماه‌های اخیر زندگی بسیار عادی و علنی‌ای داشته‌اند. دو نفر در خیمه‌هایشان و یک نفر در تخت بیمارستان در حین بستری ترور شدند. و در آخر به این لیست می‌توان ترور عصام الدعالیس رئیس کمیته نظارت و پیگیری دولتی در غزه به همراه سه پسر و دو نوه‌اش در خانه‌اش را اضافه کرد. این ترورها با هدف کاهش توان مدیریتی و کنترل سیاسی و اجتماعی حماس رخ می‌دهد.
- **تحریک اجتماعی و تظاهرات:** یکی از امتیازات ویژه حماس در دوران طوفان‌الاقصی، همراه نگه داشتن بدنه مردمی نوارغزه با سیاست مقاومتی‌اش بوده است. پس از آتش‌بس چندین تظاهرات از سوی محور نزدیک به تشکیلات خودگردان با همراهی صهیونیست‌ها با بهره‌برداری از مردم ناراضی و خسته از جنگ تکرار شده است. تل آویو سعی دارد با برجسته کردن رسانه‌ای این تظاهرات فشار اجتماعی را بر حماس افزایش دهد. گفتنی است بیشتر این تظاهرات در شمال شهر غزه رخ داده که اکنون از منظر نظامی در کنترل نسبی اسرائیلی‌هاست.
- **ایده حکومت‌های محلی:** اقدام بعدی اسرائیلی‌ها، تلاش برای تضعیف تسلط و حاکمیت حماس بر نوارغزه با هدف ایجاد مدیریت‌های محلی با محوریت ریش سفید و قبایل مشهور هر محله است. این سناریو در شمال شهر غزه و دیرالبلح مرکز نوارغزه به طور جدی‌تر در حال دنبال شدن است. این دو منطقه اتفاقاً جزو مناطقی‌اند که تظاهراتی را هم در آنها شاهد بودیم.

در پایان باید بر این نکته تأکید کرد که مخالفان و دشمنان حماس به خوبی می‌دانند که خارج کردن سیطره حماس و پایان دادن به آینده مقاومت در غزه تنها با هدف قرار دادن چند شخصیت و تضعیف قدرت نظامی ممکن نخواهد بود. شاید بتوان طرح ترامپ برای کوچ مردم غزه را واقعی‌ترین طرح روی زمین برای نابودی مقاومت و آنچه آنها راه‌حل و پیروزی اسرائیل می‌دانند، دانست. حذف مقاومت در غزه جز با نابودی یا کوچ اجباری اکثریت اهالی نوارغزه ممکن نخواهد بود؛ محورهای بالاتر که گفته شد با هدف ترغیب و اجبار به کوچ اجباری بخشی از جامعه غزه در حال اجراست.

آگهی مزایده عمومی
شماره ۱۴۰۴-۰۱

JPC پتروشیمی جم

شرکت پتروشیمی جم در نظر دارد محصولات پلیمری نامنطبق و ضایعاتی خود به‌شرح مندرج در اسناد مزایده را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند.
◄ مبلغ تضمین شرکت در مزایده پنج درصد مبلغ پیشنهادی می‌باشد.
◄ دریافت اسناد: اسناد مزایده از تاریخ انتشار آگهی از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ و از طریق وب‌سایت شرکت پتروشیمی جم به آدرس www.jpcomplex.ir/fa/tender (بخش مناقصه و مزایده) قابل دریافت می‌باشد.
◄ تمامی مکاتبات و هماهنگی‌های لازم درخصوص این مزایده از طریق دبیرخانه حراست دفتر تهران به نشانی: تهران- میدان توانیر- خیابان نظامی گنجوی- پلاک ۲۷ می‌باشد، فلذا اعلام رسمی نشانی پست الکترونیک و شماره تماس همراه و ثابت مزایده گر، برای تداوم اطلاع‌رسانی‌ها الزامی است.
◄ آخرین زمان تسلیم پیشنهادات تا ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ می‌باشد.
◄ سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.
◄ بدیهی است شرکت پتروشیمی جم در رد یا قبول کلیه پیشنهادات بدون ذکر دلیل مختار است.
تلفن تماس: ۸۸۶۵۴۵۴۵-۰۲۱

روابط عمومی شرکت پتروشیمی جم

آگهی فراخوان شرکت در مناقصه
(عمومی، دو مرحله‌ای)
شماره فراخوان: ۵۳/۱۸۹/۹۹۰

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان
(سهامی خاص)

شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد، اجرای سیستم حفاظت الکترونیک یکی از تأسیسات خود را با مشخصات و شرایط زیر از طریق ارزیابی کیفی، به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید:

۱-نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان به نشانی استان سیستان و بلوچستان، زاهدان، بزرگراه خلیج‌فارس و تلفن: ۳۳۲۹۴۵۳۷-۰۵۴

۲-نوع و میزان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ضمانت‌نامه بانکی معتبر یا واریز وجه نقد به‌حساب شماره IR ۹۲۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۱۴۶۳۸۱۶۳۵۲۸ بانک مرکزی به نام پرداخت سایر منابع شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان (این ضمانت‌نامه باید طبق آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی، مصوبه‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ- مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیأت محترم وزیران، تهیه و ارائه گردد)، به مبلغ ۵،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (پنج میلیارد و ششصد میلیون) ریال

۳-زمان توزیع اسناد مناقصه و استعلام ارزیابی کیفی: از روز شنبه ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ تا ساعت ۱۶:۰۰ روز سه‌شنبه ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

۴- زمان بازگشت اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی به‌همراه رزومه: تا ساعت ۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

۵-زمان گشایش پاکات الف و ب مناقصه: ساعت ۱۰:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

۶- زمان گشایش پاکات ج (پیشنهاد قیمت) مناقصه: ساعت ۱۰:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۳۰

۷- مدت اعتبار پیشنهادات: به مدت سه ماه از تاریخ آخرین موعد تسلیم پیشنهاد

۸-محل دریافت اسناد مناقصه و تحویل پاکات مناقصه: زاهدان، بزرگراه خلیج‌فارس، نبش خیابان مهارت، امور قراردادهای شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان

۹-هزینه تهیه اسناد: مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال واریز به‌حساب شماره IR ۹۲۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۱۴۶۳۸۱۶۳۵۲۸ بانک مرکزی به‌نام پرداخت سایر منابع شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان

بدین‌وسیله از شرکت‌های حاضر در لیست بلند پیمانکاران حوزه ی سامانه های حفاظت الکترونیک وزارت نفت، دعوت به‌عمل می‌آید جهت دریافت اسناد، در مهلت تعیین شده، همراه با نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه، به آدرس فوق مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان
۱۹۰۲۳۵۸